

بررسی حقوقی تخلیه تلفنی مأموران دولتی در قوانین موضوعه

مرتضی نوروزی علم^۱

چکیده

زمینه و هدف: یکی از جرائم مهمی که کیفیت ارتکاب آنها بایشرفت علم به شکل قابل توجهی متنوع و پیچیده شده، جاسوسی و جرائم مرتبط با آن است. یکی از شیوه‌های مورد استفاده دشمن برای جمع‌آوری اطلاعات، روش تخلیه تلفنی است. در این شیوه تخلیه‌کنندگان برای کسب اطلاعات، با زمینه‌چینی‌های مناسب، با دارندگان این اطلاعات ارتباط برقرار کرده و با استفاده از عناوین، اسامی و القاب دروغین و دیگر روش‌های فریبنده، ابتدا اعتماد مخاطب را جلب و سپس با به‌کارگیری روش‌هایی از قبیل زیرپاکشی، استنطاق، تهدید و غیره اقدام به کسب اطلاعات طبقه‌بندی شده می‌نمایند.

روش‌شناسی: این مقاله از نوع کاربردی-توصیفی و از روش اسنادی برای گردآوری مطالب و مفاهیم مورد نیاز بهره‌گیری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ برای اینکه این عمل موجب مجازات مأمور تخلیه‌شونده گردد، قانون‌گذار جمع‌بودن شرایطی را لازم دانسته است؛ این شرایط عبارت‌اند از این که مأمور دولتی باید در خصوص نحوه حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، آموزش لازم را دیده و دارای مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده نیز باشد؛ اما با توجه به نبودن تعریفی مشخص از جرم و بی‌دقتی در نگارش و تنظیم متن قانون، جرم‌انگاری این موضوع در ماده ۵۰۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ ابهام‌های نظری و اشکال‌های عملی فراوانی را به‌دنبال داشته و به‌دنبال این جرم‌انگاری به دلیل قابل توجه بودن آمار تخلیه تلفنی در سطح نیروهای مسلح و تبعات ناشی از آن، در سال ۱۳۸۲، جرم مزبور با تفاوت ناچیزی به قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز راه پیدا کرد و ماده ۲۸ قانون مزبور به آن اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات طبقه‌بندی شده، افشای اطلاعات، تخلیه تلفنی، قانون، مجازات اسلامی.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی (رایانامه: Maniandparsa@yahoo.com).

مقدمه

بزهکاران همواره به منظور دسترسی بهتر به هدف‌های خود، کاهش هزینه‌های ارتکاب جرم و فرار از قانون، تلاش نموده‌اند تا از ابزارها و شیوه‌های جدید و پیچیده‌تر استفاده نمایند. جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به منافع ملی کشورها نیز از این امر مستثنا نبوده و با پیشرفت علم و اختراع وسایل و دستگاه‌های پیشرفته ارتباطی، شیوه‌های آن تنوع و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است. یکی از شیوه‌های کم‌هزینه و کم‌خطر که در سالیان اخیر به کار گرفته شده، روش تخلیه تلفنی است. در این شیوه افراد برای کسب اطلاعات مورد نظر خود، پس از زمینه‌چینی، با دارندگان این اطلاعات ارتباط برقرار کرده و با استفاده از عناوین، اسامی و القاب دروغین و دیگر شیوه‌های فریبنده ابتدا اعتماد مخاطب را جلب و سپس با به‌کارگیری روش‌هایی از قبیل زیرپاکشی، تجاهل، استنطاق، تهدید و غیره اقدام به کسب اطلاعات طبقه‌بندی شده می‌نمایند.

از آنجا که تخلیه تلفنی، به دلیل دسترسی آسان، کم‌هزینه و کم‌خطر بودن، امکان دست‌یابی به همه مراکز و افراد مورد نظر و ضعف امکانات فنی در جلوگیری از این شیوه نسبت به سایر روش‌های جاسوسی از امتیازات منحصر به فردی برخوردار است، در سطحی وسیع مورد استفاده قرار گرفته و در بسیاری از موارد به کاربردن آن منجر به موفقیت‌هایی نیز بوده است؛ بنابراین، قانون‌گذار هنگام تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۷۵، با هدف مقابله با این ترفند و به منظور بالابردن میزان دقت و هوشیاری مأموران دولتی در حفظ و نگهداری اسرار نظام، تخلیه تلفنی شدن آنان

را طی ماده ۵۰۶ جرم‌انگاری کرده و بدین ترتیب برای نخستین بار، جرم یادشده وارد قوانین کیفری ایران شده است و به دنبال این جرم‌انگاری و به دلیل قابل توجه بودن آمار تخلیه تلفنی در سطح نیروهای مسلح و به تبعات زیان‌بار ناشی از آن، در سال ۱۳۸۲، جرم مزبور با تفاوت ناچیز به قانون جدید مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز راه پیدا کرد و ماده ۲۸ قانون مزبور به آن اختصاص یافت. البته قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، شرط داشتن مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده را برای افراد نظامی پیش‌بینی نکرده و علاوه بر دشمنان، تخلیه نظامیان توسط بیگانگان را نیز محقق‌کننده جرم اعلام کرده است.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که از ابتدا تا کنون، متداول‌ترین نوع تخلیه‌ای اطلاعاتی، از طریق برقراری ارتباط مستقیم تلفنی انجام شده و به همین دلیل، به این سبک از جمع‌آوری اطلاعات «جاسوسی تلفنی» و «تخلیه تلفنی» نیز گفته می‌شود. جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه تلفنی) از جمله جرائم علیه امنیت است که در اثر بی‌مبالاتی و رعایت نکردن نظام‌های دولتی واقع شده و از جمله جرائم غیرعمدی است که طی آن مأمور دولتی توسط دشمن تخلیه شده و اطلاعات طبقه‌بندی شده را در اختیار تخلیه‌کننده قرار می‌دهد.

نخستین شواهد به‌دست آمده از تخلیه تلفنی در جمهوری اسلامی ایران، به سال ۱۳۵۹ بر می‌گردد که منافقان برای مقابله با انقلاب متوسل به این شیوه شده‌اند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵: ۲۵۸). در این سال، سازمان مزبور خطاب به برخی از اعضای خود تأکید کرد به دلیل فقدان پیچیدگی لازم در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان از این روش به‌خوبی برای کسب اطلاعات استفاده کرد.

سازمان منافقان در دوران جنگ تحمیلی، برای افزایش خدمات خود به نظام پیشین عراق، از اطلاعات به‌دست آمده در زمینه اطلاع‌رسانی به این کشور استفاده می‌کرد که با گذر زمان و کسب تجربه و مهارت، حوزه فعالیت خود را گسترش داد و علاوه بر

تغذیه اطلاعاتی عراق، به منظور تحکیم موقعیت خویش، تأمین مالی خود و مشکل آفرینی برای ایران، از این اطلاعات برای اطلاع رسانی به آمریکا نیز بهره برداری کرده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵: ۴۸۲).

به دنبال افزایش میزان بهره برداری از شیوه مزبور توسط دشمن به ویژه گروهک منافقان، قانون گذار در سال ۱۳۷۵ به منظور بالا بردن میزان دقت مأموران در حفظ و نگهداری اسرار نظام، بی‌مبالاتی آنان را در زمینه حفظ اطلاعات طبقه بندی شده با عنوان تخلیه تلفنی جرم انگاری کرد.

ولی نحوه نگارش ماده قانونی ذی ربط، ابهام‌ها و اشکال‌هایی از جمله ارائه نشدن تعریف مشخص از جرم، تعیین نشدن نوع و کیفیت آموزش، تفکیک نشدن طبقه بندی اسناد، جرم نداشتن تخلیه مأموران آموزش دیده بدون مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده و عدم شمول مقررات نسبت به سایر شیوه‌های احتمالی ارتکاب را به وجود آورده است که در مقاله حاضر، ضمن اشاره مختصر به تاریخچه موضوع و ارائه تعریفی از جرم، به تجزیه و تحلیل مقررات قانونی مرتبط با آن پرداخته و به این سؤال پاسخ داده شده است که ابعاد جرم تخلیه تلفنی از نگاه قانون گذار چیست؟

جرم و ارتکاب آن، دارای پیشینه‌ای به اندازه عمر بشر است و همانند تمامی پدیده‌های اجتماعی در گذر زمان و به موازات پیشرفت بشر در زمینه‌های مختلف و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی انسان، پیچیده تر شده است. بزهکاران همواره به منظور دسترسی زودتر به هدف‌های خود و نیز کاهش هزینه‌های ارتکاب جرم و فرار از تبعات قانونی ارتکاب آن، تلاش نموده‌اند تا از ابزارها و شیوه‌های جدیدتر و پیچیده‌تر استفاده نمایند. جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به منافع ملی کشورها، به ویژه کشورهای دشمن از این امر مستثنا نبوده و در راستای پیشرفت علم و اختراع وسایل و مجموعه‌های پیشرفته ارتباطی، شیوه‌های آن تنوع و پیچیدگی بیشتری پیدا نموده است. به گونه‌ای که علاوه بر روش‌های جاسوسی متداول و سنتی، استفاده از شیوه‌های علمی

پیچیده و فناوری‌های فنی پیشرفته همچون بهره‌برداری از سامانه‌های مخابراتی، ماهواره‌های فضایی و راه‌اندازی ایستگاه‌های استراق‌سمع بسیار قوی در دستورکار قرار گرفته است.

بر همین اساس تمام کشورها برای حفظ و گسترش امنیت ملی و منافع خود با صرف هزینه‌های فراوان مالی و نیز با تصویب قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورکارهای حفاظتی و امنیتی سعی می‌کنند از دسترسی غیرمجاز افراد و اشخاص به اسناد، مدارک و اطلاعات طبقه‌بندی شده و دارای ارزش حفاظتی جلوگیری به عمل آورند. از سوی دیگر، تمام سازمان‌های اطلاعاتی بیگانه و دشمن نیز به طور دائم تلاش می‌کنند از حفره‌های امنیتی نگهداری اسناد و مدارک، اطلاعات و اماکن دارای طبقه‌بندی کشورها، به نفع خود بهره‌برداری کرده و به اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده دسترسی پیدا کنند.

بنابراین، با توجه به اینکه یکی از حلقه‌های مهم حفاظت از اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده، مسئولان امور حفاظتی اسناد طبقه‌بندی شده در دستگاه‌های نظامی، انتظامی و امنیتی هستند که وظیفه حفظ و نگهداری از اسناد و اطلاعات و اماکن دارای طبقه‌بندی کشور را بر عهده دارند. دشمن همواره از طریق برقراری ارتباط تلفنی و استفاده از عناوین و هویت جعلی و سوءاستفاده از ضعف آموزش و سهل‌انگاری مأموران مذکور و به کارگیری آخرین ترفندها و شگردهای تخلیه و جاسوسی تلفنی به دنبال به‌دست آوردن اطلاعات مهم و دارای طبقه‌بندی از این حلقه حفاظتی است که از بدو انقلاب تا کنون متأسفانه شاهد موفقیت دشمن در به‌کارگیری این روش تخلیه اطلاعاتی بوده‌ایم.

برای پیشگیری از موفقیت دشمن و افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده به این روش، ضمن ارایه آخرین راه‌کارها و ملاحظه‌های حفاظتی قانون‌گذار برای برخورد با مأموران خاطی و سهل‌انگار اقدام به جرم‌انگاری در این ارتباط در مواد ۵۰۶ قانون مجازات

اسلامی (تعزیرات) و ماده ۲۸ قانون م.جرائم ن.م نموده است؛ که این مواد دارای ایرادها و ابهام های زیادی بوده و در تهیه و تدوین مقررات قانونی مربوط به جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده دقت و توجه لازم صورت نگرفته و ایرادها و ابهام هایی متوجه مواد موصوف است، به گونه ای که موجب اختلاف نظر، تفاوت برداشت و ارائه تحلیل های متنوع از متن قانون گردیده است.

اهمیت و حساسیت موضوع تخلیه تلفنی توسط دشمن تا حدی است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این ارتباط می فرمایند: «یک دستورکارهای سخت و محکم ابلاغ شود که هیچ کس حق ندارد از طریق وسایل (امکانات مخابراتی و الکترونیکی) مطلب دارای طبقه بندی را منتقل نماید». و یا اینکه در جای دیگری تأکید فرموده اند: «بیان مطالب طبقه بندی شده در تلفن حرام است».

با عنایت به فرمان های معظم له و ضرورت توجه به رعایت ملاحظه های حفاظتی در مکالمه های تلفنی و لطمه های جبران ناپذیر ناشی از بی توجهی به آن بر آن شدیم تا در این مقاله، با تشریح مواد قانونی مربوط، ابعاد جرم تخلیه تلفنی از منظر قانون مجازات اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

هدف اصلی تحقیق: بررسی ابعاد حقوقی جرم تخلیه تلفنی در قوانین موضوعه

سؤال های تحقیق

سؤال اصلی: ابعاد و مؤلفه های حقوقی جرم تخلیه تلفنی در قوانین موضوعه چیست؟

سؤال های فرعی:

- ۱- از منظر عنصر روانی، آیا تخلیه تلفنی فقط جرم عمدی است یا تحقق آن به صورت غیر عمد نیز متصور است؟
- ۲- رفتار مجرمانه جرم تخلیه تلفنی فقط با فعل محقق می شود یا با ترک فعل نیز قابل تحقق است؟
- ۳- خلأ های تقنینی جرم تخلیه تلفنی کدام اند و چه راه کارهایی برای رفع آن پیشنهاد می گردد؟

مبانی نظری: تعاریف و اصطلاحات

تخلیه تلفنی: تخلیه تلفنی عبارت است از تلاش آگاهانه و برنامه‌ریزی شده دشمن با بهره‌گیری از غفلت یا فریب عوامل خودی به منظور کسب اطلاعات و القای خواسته‌های خود با استفاده از عناوین، هویت جعلی و از طریق ارتباط تلفنی. در تعریف دیگر تخلیه تلفنی عبارت است از: اقدام‌هایی که توسط دشمن با توسل به فریب اطلاعاتی، تقلید صدا و گمراه‌کردن مخاطب صورت گرفته و منجر به کسب اطلاعات طبقه‌بندی شده از طریق تلفن می‌گردد (صفرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۹-۱۷۸).

حفاظت گفتار: حفاظت گفتار به معنای رعایت حدود و توجه به طبقه‌بندی حفاظتی در ارائه اطلاعات کلامی است.

آموزش‌های لازم: منظور از آموزش‌های لازم در این ماده، آموزشی است که نحوه نگهداری اطلاعات طبقه‌بندی شده را به صورت کامل به مأموران ذی‌ربط بیان می‌کند.

بی‌مبالاتی: منظور از بی‌مبالاتی آن است که شخص مواظب رفتار خود نباشد. عده‌ای آن را ترک احتیاط یا بی‌احتیاطی به صورت ترک فعل دانسته‌اند؛ به عنوان مثال بر اثر بی‌احتیاطی از سوی فرد یا افراد بدون صلاحیت مورد تخلیه تلفنی یا زیرپاکشی قرار می‌گیرد.

دشمن: منظور از دشمن به استناد ماده ۲۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ عبارت است از «اشرار، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند یا اقدام‌های آنان ضد امنیت ملی است.» تبصره ماده می‌گوید: «هرگاه برای دادگاه تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد، موضوع از طریق قوه قضائیه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای مذکور مدرک خواهد بود.»

تخلیه اطلاعاتی: تخلیه اطلاعاتی، عمل استخراج و کسب اطلاعات از مظنونان، مشکوکان، مطلعان، شهود و متهمان بر اساس نیازمندی‌های اطلاعاتی است. (صفرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۹-۱۷۸). تخلیه به معنای تهی کردن است (معین، ۱۳۸۳: ۲۴۷).

زیرپاکشی: از روش‌های مرسوم که سازمان‌های اطلاعاتی از آن حداکثر استفاده را می‌برند، زیرپاکشی است. در تعریف زیرپاکشی گفته شده است: «عبارت است از به‌دست‌آوردن اطلاعات از یک شخص بدون اینکه نامبرده آگاه باشد که اطلاعاتی را که مورد علاقه شماست، در اختیارتان می‌گذارد».

طبقه‌بندی اسناد و انواع آن: تعیین ارزش حفاظتی سند با توجه به اهمیت و خطرهای ناشی از افشای آن.

۱. به‌کلی سری ۲. سری ۳. خیلی محرمانه ۴. محرمانه

ارکان جرم تخلیه تلفنی: از لحاظ حقوق کیفری برای اینکه رفتاری جرم تلقی گردد، باید دارای ارکان عمومی و عناصر اختصاصی باشد. داشتن علم و شناخت کافی نسبت به این ارکان و شرایط در هر مورد، شرط تشخیص صحیح و دقیق آن بر حکم قانونی ذی‌ربط است. جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه تلفنی) نیز همانند سایر جرائم، علاوه بر ارکان عمومی سه‌گانه قانونی، مادی و روانی، واجد شرایط و عناصر دیگری است که اختصاص به این جرم دارند و آن را از سایر جرائم متمایز می‌سازند.

رکن قانونی: رکن قانونی جرم تخلیه اطلاعاتی، ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ است. به موجب ماده ۵۰۶: «چنانچه مأموران دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و رعایت نکردن اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند». در صورت ارتکاب جرم در زمان جنگ، مرتکب به مجازات اشد (۶ ماه) محکوم می‌گردد.

این جرم قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) پیشینه‌ای در قوانین ما نداشته است. ولی نزدیک‌ترین مقررۀ قانونی به جرم تخلیه تلفنی که پیش از وضع ماده ۵۰۶ نیز وجود داشته، قسمت آخر ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۳ است. برابر این ماده «... در صورتی که افشای

اسناد ذکر شده در اثر عدم رعایت نظامات و یا در اثر غفلت و مسامحه مأمور حفاظت آنها صورت گرفته باشد، مجازات او سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود». با وجود شباهت ظاهری موجود بین رفتار مجرمانه این جرم با جرم موضوع ماده ۵۰۶، به دلیل تفاوت ماهوی «افشاء» که از باب افعال و به معنای فاش کردن و آشکار کردن است، با «تخلیه» از باب تفعیل به معنای خالی کردن و تهی ساختن شامل جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات دارای طبقه‌بندی نمی‌گردد.

از حکم عادی ماده ۵۰۶ ق.م.اسلامی که شامل تمامی مأموران دولتی مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی می‌شود، ماده ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، افراد نظامی را خارج ساخته است. ماده موصوف چنین بیان می‌دارد: «هر نظامی که پس از آموزش لازم در مورد حفاظت اطلاعات طبقه‌بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانگان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ماده ۲۸ ق.م.ج.ن.م تفاوتی اندک با ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی دارد. ماده ۵۰۶ تنها شامل مأمورانی می‌شود که دارای مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده باشند. در صورتی که ماده ۲۸ مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده را برای افراد نظامی نیآورده و تمام نظامیان را مشمول حکم قرار داده است. تفاوت دیگر این دو ماده مربوط به هویت تخلیه کننده است. در ماده ۵۰۶ فقط تخلیه تلفنی توسط دشمنان جرم معرفی شده، در صورتی که در ماده ۲۸ علاوه بر دشمنان تخلیه تلفنی توسط بیگانگان نیز مستوجب مجازات دانسته شده است؛ «بیگانگان» لفظ عامی است که افراد بیگانه غیر دشمن را نیز در بر می‌گیرد؛ بدین ترتیب، قانون‌گذار نسبت به وقوع این جرم در سطح نیروهای مسلح، حساسیت بیشتر نشان داده و تلاش کرده است تمام مصادیق تخلیه تلفنی را تحت شمول ماده مزبور قرار دهد.

رکن مادی: از عناصر و اجزای تشکیل دهنده جرم، علاوه بر رفتار مجرمانه، آنچه خارج از فعل و انفعال های ذهنی است و دارای جنبه عینی و مادی است، در این قسمت و ذیل رکن مادی مورد بحث و گفتگو قرار می گیرد.

۱. رفتار مجرمانه: مهم ترین و اصلی ترین عنصر رکن مادی هر جرمی، رفتار مجرمانه است که ارتکاب آن از سوی قانون گذار منع و برای آن مجازات تعیین شده است. در تجزیه و تحلیل رکن مادی جرائم، هرچند شناخت صحیح و تشخیص دقیق تمامی عناصر مهم است، ولی اهمیت شناخت رفتار مجرمانه دو چندان است. با وجود این اهمیت، در بررسی تألیف ها و نظرهای بیان شده درباره رفتار مجرمانه جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده (تخلیه تلفنی)، تفاوت آراء و اختلاف نظر شدیدی ملاحظه می شود که به نظر می رسد ناشی از نحوه نگارش قانون است. در این خصوص، چهار نظر متفاوت وجود دارد:

به موجب یک نظر رفتار مجرمانه جرم مزبور فعل (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۰۳ و یزدانیان، ۱۳۸۳: ۴۴) و به موجب نظری دیگر ترک فعل است (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۴۶)؛ گروه سوم بر این باورند که رفتار مجرمانه جرم مزبور اعم از فعل و ترک فعل است (زراعت، ۱۳۸۲: ۵۹ و مالمیر، ۱۳۸۳: ۷۶)؛ در مقابل، برخی دیگر بیان داشته اند که جرم مورد نظر بدون رفتار مجرمانه است و مأمور تخلیه شده فاعل معنوی جرم است که رکن مادی جرم خود را از تخلیه کننده به رعایت می برد (پیمانی، ۱۳۸۰: ۴۰؛ گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۵۹۱ و اشرافی، ۱۳۸۰: ۸۳).

باتوجه به نظرهای متفاوت بیان شده، سؤال این است که بالأخره رفتار مجرمانه این جرم چیست؟ و مأمور دولتی در صورت ارتکاب چه رفتاری قابل مجازات شناخته می شود: در تکوین و تحقق جرم مزبور دو نفر نقش ایفاء می کنند؛ از یک طرف تخلیه کننده یا به تعبیر ماده قانونی دشمن و از طرف دیگر تخلیه شونده یا مأمور دولتی آموزش دیده و مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی، که البته بین آنها هیچ گونه وجه اشتراک و یا اتحاد منافع و یا توافقی برای تحقق جرم وجود ندارد. تخلیه کننده یا دشمن با

هدف به دست آوردن اطلاعات مورد نظر خویش، به فردی مراجعه می‌کند که در واقع، تمام تلاش و سعی او حفظ این اطلاعات از دستبرد عوامل دشمن است؛ بنابراین، ناگزیر است برای وصول به منظور خویش، مبادرت به طراحی و زمینه‌چینی مناسب نماید.

مأمور دولتی آموزش دیده و مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی که محل رجوع دشمن است، هنگام مواجه شدن با تخلیه‌کننده، ممکن است هوشیاری لازم را نشان داده و اطلاعاتی در اختیار او قرار ندهد، یا در نتیجه بی‌مبالاتی و رعایت نکردن اصول حفاظتی، تحت تأثیر زمینه‌چینی‌های تخلیه‌کننده قرار گرفته و دسترسی او را به اطلاعات طبقه‌بندی شده، میسر سازد. میسر ساختن دسترسی دشمن به اطلاعات هم می‌تواند در نتیجه ترک فعل، نظیر ممانعت نکردن از ورود عامل دشمن به محل نگهداری اسناد و جلوگیری نکردن از رؤیت و مطالعه آنها توسط او باشد. در بیان قانون‌گذار نیز عبارت «عدم رعایت اصول حفاظتی» آمده که برخلاف بی‌مبالاتی که فقط ناظر بر ترک فعل است، حالت روانی هر دو رفتار فعل و ترک فعل را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، رفتار مجرمانه محقق‌کننده جرم اعم از فعل و ترک فعل است. البته هرچند این نظر به ظاهر با برخی نظرهای بیان شده در بالا مشابه است، ولی از لحاظ محتوایی (اعم از مقدمه‌های استدلالی و مؤخرهای استنتاجی) با آنچه در آن نظرها آمده تفاوت دارد؛ زیرا برخی از قائلان به شمول رفتار مجرمانه جرم نسبت به فعل و ترک فعل، بر این اعتقادند که «عنصر مادی این جرم، بی‌مبالاتی و رعایت نکردن اصول حفاظتی است ... که ممکن است به صورت فعل مثبت یا گفتار یا ترک فعل محقق شود (زراعت، ۱۳۸۲: ۵۹).

در صورتی که بی‌مبالاتی و رعایت نکردن اصول حفاظتی، رکن روانی جرم است و نمی‌تواند به عنوان رفتار مجرمانه محسوب شود. برخی دیگر از نویسندگان، به دلیل یکی‌پنداشتن این جرم با جرم افشای غیرعمدی اطلاعات، رفتار مجرمانه آن را اعم از فعل و ترک فعل در نظر گرفته‌اند؛ در صورتی که با عنایت به مطالب پیش‌گفته، جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده جرمی متفاوت و جدا از جرم افشای

غیر عمدی اطلاعات است و از نظر تحلیلی، حقوقی و منطق قانون گذاری نمی توان این دو جرم را برابر و یکسان دانست.

در خصوص معنا و مفهوم «دشمن» تا قبل از سال ۱۳۸۲ شمسی به دلیل نبودن تعریف قانونی، اختلاف نظر وجود داشت. ولی قانون گذار در این سال در ماده ۲۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مبادرت به ارائه تعریفی از این واژه کرد و بدین ترتیب مشکل موجود در این زمینه تا حدودی مرتفع گردید. برابر این ماده: «منظور از دشمن عبارت است از: اشرار، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده و یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدام‌های آنان بر ضد امنیت ملی است». تبصره: هرگاه برای دادگاه، تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد موضوع از طریق قوه قضائیه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای ذکر شده ملاک خواهد بود.

هر چند این ماده به ظاهر، اصطلاح دشمن را تعریف کرده است، ولی وجود برخی مفاهیم و عبارت‌ها در تعریف، در عمل تشخیص دشمن را با ابهام‌هایی مواجه می‌سازد؛ تعریف اشرار و منظور از آنها، شرایطی که در آن، اشرار یا گروهی خاص در حال جنگ با جمهوری اسلامی باید در نظر گرفته شود، تعریف امنیت ملی و همچنین احراز قصد براندازی جمهوری اسلامی باید در نظر گرفته شود، تعریف امنیت ملی و همچنین احراز قصد براندازی جمهوری اسلامی باید در نظر گرفته شود، تعریف امنیت ملی و همچنین احراز قصد براندازی جمهوری اسلامی از جمله آنهاست. در هر حال تشخیص دشمن به عهده قاضی رسیدگی کننده به پرونده و ملاک دشمن بودن تخلیه کننده در زمان وقوع جرم است.

لازم به ذکر است که ماده ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، علاوه بر دشمنان، تخلیه اطلاعاتی افراد نظامی توسط بیگانگان را نیز جرم دانسته است. منظور از بیگانگان اتباع سایر کشورهاست که به دلیل اطلاق عبارت ماده قانونی، اتباع کلیه کشورهای بیگانه را شامل می‌شود و نوع و کیفیت ارتباط ایران با کشور متبوع تخلیه کننده و وضعیت حاکم بر

مناسبت‌های دو کشور تأثیر در موضوع بحث ندارد و بدین ترتیب قانون‌گذار دامنه شمول این جرم را در ارتباط با نیروهای مسلح گسترش داده است.

در برخی از نوشته‌ها گفته شده «منظور از بیگانگان کسانی هستند که صلاحیت دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده را ندارند» (المیر، ۱۳۸۳: ۷۶) این مطلب به دلیل ظهور نیافتن لفظ در معنای بیان شده و تفسیر به ضرر متهم برخلاف ظاهر، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ در تأیید این استدلال می‌توان به استفاده قانون‌گذار از اصطلاح «بیگانگان» در کنار لفظ «دشمنان» در ماده قانونی نیز تمسک جست. با این توضیح که اگر منظور قانون‌گذار از کلمه «بیگانگان» افراد بدون صلاحیت بوده است، ارتباط بین این دو واژه عموم و خصوص مطلق می‌شد و اصطلاح «بیگانگان» بر «دشمنان» شمول کامل پیدا می‌کرد و در این صورت، لفظ اخیر که مصداق افراد بدون صلاحیت است، زائد بوده و ضرورتی برای ذکر آن وجود نداشت.

۲. موضوع جرم: موضوع جرم مورد بحث، اطلاعات طبقه‌بندی شده است. یعنی اطلاعاتی که افشای آنها مغایر با مصالح مملکت است. به موجب ماده ۱ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی، اسناد طبقه‌بندی شده، اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح دولت و یا مملکت و یا مغایر با مصالح خاص مربوط به وظایف و فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی باشد. به استناد ماده ۱ آیین‌نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات، اسناد دارای طبقه‌بندی به چهار طبقه محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری تقسیم می‌شود. بدین ترتیب اطلاعات تخلیه‌شده باید دارای یکی از طبقات چهارگانه مزبور باشد. قانون‌گذار در تحقق جرم و تعیین مجازات آن، بین انواع اسناد و اطلاعات از حیث طبقه‌ای که در آن قرار دارند، تفاوتی قائل نشده است و مجازات فرد تخلیه‌شده‌ای که در نتیجه بی‌مبالاتی، موجبات دسترسی دشمن به اطلاعات به کلی سری را فراهم کرده با مجازات فردی که اطلاعات تخلیه‌شده او محرمانه بوده، یکی قرار داده است.

نکته قابل ذکر این است که احراز انتشار علنی قبلی اطلاعات موصوف و آگاهی پیشاپیش عموم نسبت به آن، مانع از تحقق جرم می‌گردد؛ ولی افشای جزئیات اعلام نشده یک واقعه آشکار شده، برای تحقق جرم کفایت می‌کند؛ بنابراین، مقررات مواد مزبور، بر عمل کسی که در یک تخلیه تلفنی، متن یک معاهده هم‌پیمانی سرّی را به دشمن می‌دهد قابل انطباق است، اگر چه وقوع این هم‌پیمانی به صورت رسمی از طرف دولت به اطلاع عموم رسیده باشد. همچنین حکم مزبور، بر رفتار کسی که متن مکاتبه‌های رد و بدل شده مربوط به یک معاهده انتشار یافته را در تخلیه تلفنی به دشمن بدهد، منطبق می‌گردد (عبدالملک، بی تا: ۱۰۰).

سؤال قابل طرح در اینجا این است که اگر مأمور در تخلیه‌ای که صورت می‌گیرد اطلاعات بدون طبقه‌بندی ولی ارزشمند برای تخلیه‌کننده را ارائه نماید، آیا جرم موصوف (با جمع سایر شرایط قانونی) تحقق یافته و مأمور به اتهام ارتکاب جرم تخلیه تلفنی قابل تعقیب است یا خیر؟ توضیح اینکه فرد تخلیه‌کننده برای رسیدن به منظور و مقصود خویش (دست‌یابی به اطلاعات طبقه‌بندی شده) نیاز به اطلاعات اولیه‌ای نظیر شماره تلفن هدف، مشخصات کلی هدف، اسامی افراد و مراکز مرتبط و... دارد تا در تماس با فرد مورد نظر خویش، از آنها استفاده کند. این اطلاعات ممکن است بدون طبقه‌بندی و تهیه آنها از راه‌های مختلفی امکان‌پذیر باشد، با این حال اگر دشمن اطلاعات موصوف را با استفاده از شیوه‌های ذکر شده در مواد ۵۰۶ ق.م.ا و ۲۸ ق.م.ج.ن.م کسب کند آیا مأمور تخلیه شده، قابل مجازات است؟

هرچند این اطلاعات دارای ارزش بوده و به دشمن داده شده است و دشمن نیز از آنها در راستای ارتکاب جرم استفاده خواهد کرد، ولی با توجه به عبارت به‌کار رفته در مواد قانونی، دادن اطلاعات بدون طبقه‌بندی به دشمنان و بیگانگان مشمول عنوان تخلیه تلفنی نمی‌گردد و به استناد مواد یادشده، مرتکب این عمل قابل مجازات نیست. همچنین این فرد هرچند ارتکاب جرم توسط تخلیه‌کننده را تسهیل کرده است؛ اما به دلیل نبودن وحدت قصد بین او و عامل دشمن یا بیگانه، نمی‌توان او را به عنوان معاون

جرم، تلقی و تعقیب کرد؛ بنابراین، شرط تحقق جرم این است که اطلاعات تخلیه شده، دارای طبقه بندی باشد و از آنجا که در این فرایند اطلاعات به دشمن و یا بیگانگان داده می شود و ضرر ناشی از جرم متوجه مصالح کلی نظام و مملکت یا امنیت و نظم عمومی می گردد، این جرم از جمله جرائم علیه امنیت محسوب شده و قانون گذار آن را در فصل مربوط به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی ذکر کرده است.

۳. شخصیت مرتکب جرم: این جرم قابل ارتکاب توسط هرکسی نیست و به حتم باید اوصافِ مدنظر قانون گذار، در فرد تخلیه شده جمع باشد تا جرم محقق گردد؛ این اوصاف که می توان آنها را به عنوان شرایط مقدم نیز تلقی کرد، عبارت اند از:

الف) مأمور دولت بودن ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی صراحت دارد که جرم بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده فقط توسط مأموران دولتی قابل ارتکاب است. چنانچه عبارت «مأموران دولتی» را بر معنای متعارف آن حمل کنیم، کسانی مشمول ماده خواهند بود که دارای نوعی ارتباط استخدامی با دولت اند؛ موقتی یا دائمی بودن ارتباط استخدامی و تبعه ایران یا بیگانه بودن مأمور، تغییری در حکم ایجاد نمی کند. علاوه بر معنای بالا می توان معنای عام تری به این عبارت داد و آن را شامل هرکسی دانست که به نوعی عهده دار مأموریت از سوی دولت است و حفاظت از اطلاعات طبقه بندی شده به او محول گردیده است؛ در این صورت ضرورتی به وجود ارتباط استخدامی نخواهد بود. برابر بررسی انجام شده، رویه قضایی معنای اول را پذیرفته و وجود ارتباط استخدامی را شرط می داند؛ این دیدگاه با وجود انطباق با تفسیر قانون به نفع متهم به دلیل هم خوانی نداشتن با ظاهر عبارت قانون، محل تأمل است.

ب) داشتن مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی: صرف مأمور دولتی بودن برای تحقق جرم ماده ۵۰۶ کفایت نمی کند بلکه برای اینکه فرد تخلیه شده به استناد این ماده قابل مجازات شناخته شود، باید علاوه بر وصف مزبور، «مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده» نیز باشد؛ بنابراین، اگر مأمور دولتی، بدون چنین مسئولیتی باشد، حتی در صورت داشتن اطلاعات طبقه بندی شده و تخلیه شدن توسط دشمنان، قابل مجازات

به استناد این ماده نخواهد بود. البته ماده ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نظامی بودن فرد را کافی برای تحقق جرم تخلیه اطلاعاتی دانسته و بر خلاف ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی، ذکری از «مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده» نکرده است. ذکر نکردن این قید به معنای توسعه دامنه شمول حکم مزبور در ماده نسبت به تمامی نظامیان است.

ج) گذراندن آموزش لازم: مرتکب جرم علاوه بر اوصاف پیش گفته، می بایست پیشتر آموزش لازم را در مورد حفظ اطلاعات طبقه بندی شده دیده باشد تا بتوان به استناد این مواد او را محکوم و مجازات کرد. در غیر این صورت، عمل او مشمول مواد موصوف نخواهد بود؛ بنابراین، ارائه تفسیر زیر از قید قانونی «آموزش های لازم»، صحیح به نظر نمی رسد: از شرایط تحقق این جرم این است که آموزش های لازم و ضروری به مأمور داده شده باشد؛ بنابراین، هرگاه شخصی به عنوان کارشناس مخابرات به کار گرفته شود در صورتی که آموزش های مخابراتی را دیده باشد، ارتباطی با موضوع تخلیه تلفنی ندارد و آموزشی که کارشناس مخابرات مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی، در این خصوص نیاز دارد آموزش در مورد چگونگی اطلاعات طبقه بندی شده و رازداری است (اشرفی، ۱۳۸۰: ۸۳).

نکته ای که در ارتباط با این قید، مهم به نظر می رسد، این است که منظور قانون گذار از آموزش لازم چیست؟ چه آموزشی، در چه سطحی و با چه کیفیتی می تواند تحقق بخش این شرط باشد؟ آیا آموزش باید ضمن دوره های تعریف شده و رسمی دارای مدرک باشد یا اینکه شرکت فرد در جلسات و سخنرانی های پراکنده و توجیهی نیز کفایت می کند؟ آیا صدور دستورکارها و بخشنامه های توجیهی در زمینه رعایت اصول حفاظتی و نصب اعلامیه ها و پوسترها مواردی از این قبیل محقق کننده شرط ذکر شده در ماده است یا خیر؟ قانون گذار به ابهام های یاد شده پاسخی نداده است، ولی مسلم آن است که صدور دستورکار و بخش نامه و نصب اعلامیه و پوستر و مواردی از این قبیل نمی تواند محقق کننده شرط قانونی دیدن آموزش لازم باشد و در خصوص رسمی بودن

و مدرک‌دار بودن آموزش‌ها و دوره‌های آموزشی، برابر اصول و قواعد کلی حقوقی و به لحاظ نفع و صلاح متهم، باید دیدن آموزش لازم به صورت مستند و مستدل اثبات شود و صرف اعلام سازمان ذی ربط مبنی برگذاردن دوره آموزشی لازم و توجیه بودن متهم کفایت نمی‌کند.

با این همه، در صورت نبودن هر یک از شرایط ذکر شده (دیدن آموزش لازم، بیگانه یا دشمن بودن تخلیه‌کننده، داشتن مسئولیت حفاظتی و...) آیا باید مأمور تخلیه‌شده را از مجازات معاف کرد یا اینکه او را به استناد مواد مربوط به افشای غیرعمدی اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی و ماده ۲۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح) مورد تعقیب قرار داده و به مجازات رساند؟

در بررسی رویه قضایی، در مواردی مشاهده شد که با نبودن برخی از این شرایط و به دلیل ممکن نبودن اعمال ماده قانونی مربوط به تخلیه تلفنی، دادگاه به استناد مواد مربوط به افشای غیرعمدی اطلاعات طبقه‌بندی شده، مبادرت به صدور حکم محکومیت برای مأمور تخلیه شده کرده است. در مصاحبه‌های انجام شده، برخی این‌گونه استدلال کردند که در هر صورت مأمور موصوف موجب دسترسی دشمن یا بیگانه به اطلاعات دارای طبقه‌بندی گردیده و سبب افشاء شده است و عمل او از مصادیق افشای غیرعمدی اطلاعات دارای طبقه‌بندی محسوب می‌شود و از آنجا که تحقق جرم افشای اطلاعات غیرعمدی مقرر در مواد ۲ و ۲۷ اخیر ذکر شده، منوط و مشروط به وجود قیود و شرایط ذکر شده نیست، صدور حکم در چنین مواردی به استناد یکی از این مواد بلامانع خواهد بود. ولی با توجه به توضیح‌های قبلی و با در نظر گرفتن سیاق مواد قانونی ذی ربط و نحوه نگارش آنها، به نظر می‌رسد جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، غیر از افشای غیرعمدی اطلاعات است و با نبودن هر یک از شرایط مزبور، مرتکب را به دلیل تحقق نیافتن جرم، نباید مجازات کرد.

۴. وسیله مجرمانه: کیفیت و نحوه ارتکاب جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده به گونه‌ای است که دریافت اطلاعات توسط دشمنان و بیگانگان از مأموران دولتی و یا نظامیان، به طور معمول مستلزم طراحی و زمینه‌چینی مناسب بوده و تخلیه‌کننده برای رسیدن به مقصود خویش، ناگزیر از پنهان کردن هویت واقعی خود و به‌کارگیری ترفندهایی برای ترغیب مخاطب به همکاری در دادن اطلاعات است. متداول‌ترین شیوه‌های به‌کار رفته توسط تخلیه‌کنندگان در این خصوص، تقلید صدا، استفاده بسیار ماهرانه از اصطلاح‌های متداول و رایج در صنف و قشری که تخلیه‌شونده به آن تعلق دارد، جعل هویت و استفاده از تلفن بوده است. برابر تحقیق انجام گرفته تاحدودی در تمامی پرونده‌های رسیدگی شده، برای ارتکاب جرم از تلفن استفاده شده و تخلیه اطلاعاتی به صورت تلفنی واقع گردیده، به گونه‌ای که این جرم به «جاسوسی تلفنی» یا «تخلیه تلفنی» معروف شده است.

با وجود مطالب بیان شده، قانون‌گذار تحقق جرم را منوط و مشروط به استفاده و بهره‌برداری از وسیله و ابزاری خاص نکرده و در صورت جمع‌بودن شرایط مقرر قانونی، نوع وسیله و ابزار به‌کار رفته برای تخلیه، تأثیری در تحقق جرم ندارد؛ بنابراین، جرم موصوف از حیث ابزار مقید نیست و ارتکاب آن با استفاده از هر ابزاری و به هر شکلی امکان‌پذیر است.

۵. زمان و مکان وقوع جرم: مکان در تحقق این جرم مدخلیتی ندارد و وقوع آن در هر مکانی که باشد در صورت جمع‌بودن شرایط قانونی، مرتکب را مستوجب مجازات می‌کند. ولی عامل زمان می‌تواند در میزان مجازات مرتکب، تأثیرگذار باشد، به این‌گونه که چنانچه جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده توسط مأموران دولتی غیرنظامی، در زمان جنگ ارتکاب یابد، مرتکب به موجب ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات اشد این جرم (۶ ماه) محکوم می‌گردد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار برای زمان جنگ اختیار قاضی را در تعیین میزان مجازات بین حداقل و حداکثر مقرر در ماده ۵۰۶ متفی اعلام و مجازات حداکثر را به عنوان تنها مجازات جرم تعیین کرده است.

۶. نتیجه مجرمانه: با توجه به مقررات قانونی، جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده از جمله جرائم مطلق است و تحقق آن منوط به منتهی شدن رفتار مجرمانه به نتیجه خاص نیست؛ به عبارت دیگر، با دست‌یابی دشمنان و یا بیگانگان (در ارتباط با افراد نظامی) به اطلاعات طبقه‌بندی شده و صرف‌نظر از اینکه اقدام مزبور منتهی به نتیجه خاص دیگر شود یا خیر، جرم به صورت کامل تحقق یافته و مأمور تخلیه شده قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

۷. ارتباط علیت: برای تحقق جرم موضوع این ماده، باید میان بی‌مبالاتی یا رعایت نکردن اصول حفاظتی و تخلیه تلفنی، ارتباط علیت یا سببیت وجود داشته باشد؛ یعنی بی‌مبالاتی سبب تام و علیت تخلیه تلفنی باشد. ماده ۱۵ آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص کردن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱ هیئت وزیران، در همین ارتباط چنین مقرر کرده است: «مطالعه اسناد سری و محرمانه در معابر و اماکن عمومی ممنوع است.» همچنین ترک محل نگهداری اسناد بدون رعایت اصول حفاظتی ابلاغ شده به طوری که موجب شود، دشمن بتواند به محوطه نگهداری اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده وارد شود، موجب تحقق جرم مزبور می‌شود.

رکن روانی: وجود قصد ارتکاب برای تحقق جرم از ضرورت هاست. ولی این قصد در تمامی جرائم ماهیت یکسان ندارد. گاهی مرتکب جرم، هم خواهان ارتکاب رفتار مجرمانه است و هم نتیجه حاصل از آن را طلب می‌کند. در این حالت فرد دارای قصد مجرمانه بوده و مرتکب جرم عمدی شده است. ولی در برخی موارد مرتکب جرم، رفتار مجرمانه را با اراده انجام می‌دهد، ولی نتیجه حاصل از آن را خواستار نیست و چه بسا حتی چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی هم نکند. در این صورت عنصر روانی جرم از خطا تشکیل می‌شود و جرم ارتكابی، غیرعمدی است (صانعی، ۱۳۷۱: ۳۰۸)، خطای کیفری ممکن است به صورت بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، رعایت نکردن نظام‌های دولتی و نداشتن مهارت واقع گردد.

جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده از جرائم غیر عمدی و رکن روانی آن از نوع خطای کیفری است. قانون‌گذار در مواد پیش گفته با استفاده از عبارت «در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» به این موضوع تصریح کرده است. از آنجا که در مواد قانونی مربوط به این جرم فقط دو مصداق از مصادیق خطا ذکر شده و اشاره‌ای به سایر مصادیق صورت نگرفته است، نمی‌توان با این توجیه که «قانون‌گذار در مواد مختلف، این واژه‌ها را فراوان به جای یکدیگر به کار می‌برد» (زراعت، ۱۳۸۲: ۶۰).

برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اعمال دیگر ناشی از مصادیق، ذکر نشده خطا را که قانون به آنها نپرداخته، مشمول حکم دانست. نکته دیگر این است که باید بین بی‌مبالاتی یا رعایت نکردن اصول حفاظتی توسط مأمور و تخلیه شدن او توسط دشمنان ارتباط علیت وجود داشته باشد تا بتوان او را مسئول شناخته و مجازات کرد و با توجه به اینکه بی‌احتیاطی از مصادیق خطای جزایی است که با بی‌مبالاتی تفاوت مفهومی دارد، به نظر می‌رسد ذکر نکردن آن در متن قانون و اکتفا به ذکر «بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» ایرادی است که متوجه این بخش از ماده قانونی است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر ماهیت و هدف کاربردی بوده و از حیث روش جزء پژوهش‌های توصیفی است. در گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات نظری از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی که از نوع کیفی است استفاده شده است.

پیشینه تحقیق: با توجه به نو بودن موضوع و فقدان تحقیقات علمی کافی در این ارتباط، آثاری در خصوص بررسی ابعاد جرم تخلیه تلفنی از منظر قانون مجازات اسلامی شناسایی نگردید. ولی مقاله‌هایی به صورت کلی در مورد جاسوسی به نفع دشمن به شرح ذیل به دست آمد:

۱- حبیب‌زاده، محمدجعفر «تخلیه تلفنی غیرنظامیان توسط دشمن»، استاد حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره

۲- ساریخانی، عادل «جاسوسی و خیانت به کشور»، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۳- اشرفی، ارسلان «جاسوسی به نفع اجانب در حقوق کیفری ایران»، شیراز: انتشارات تخت جمشید.

بنابراین، در گردآوری اطلاعات علاوه بر مراجعه به آثار مکتوب بسیار اندک و ناقص موجود، با تعدادی از قضات، حقوق دانان کیفری و چند نفر از مأموران حفاظتی و کارشناسان امر، مصاحبه شفاهی و غیرسازمان یافته به عمل آمد.

بحث و نتیجه گیری

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح از جرم «بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده» تعریفی ارائه نکرده و آنچه راجع به این جرم پیش‌بینی شده، توصیف مرتکب و بیان شرایط تحقق جرم است. در متون حقوقی نیز چنین تعریفی به دست نیامد.

هرچند این جرم، با جرم افشای سِر مزبور در ماده ۶۴۸ ق.م. تفاوت ماهوی دارد، ولی از برخی جهات، ممکن است با جرم افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده دولتی شباهت داشته باشد که وجود شباهت‌های احتمالی سبب ارائه تحلیل توسط برخی از نویسندگان و اعلام تحیر برخی دیگر از آنان گردیده است.

عبارت «بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» در تعریفی که از مصادیق خطای کیفری است، این جرم را از زمره جرائم عمدی از جمله افشای عمدی اطلاعات دارای طبقه‌بندی مزبور در ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سِر دولتی مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۲۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، متمایز کرده است.

جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه تلفنی) از جمله جرائم علیه امنیت است که در اثر بی‌مبالاتی و رعایت نکردن نظام‌های دولتی واقع می‌شود و به عبارت دیگر این جرم از جرائم غیرعمدی است که طی آن مأمور دولتی توسط

دشمنان تخلیه شده و اطلاعات طبقه‌بندی شده نظام را در اختیار تخلیه‌کننده قرار می‌دهد. برای اینکه این عمل موجب مجازات مأمور گردد قانون‌گذار جمع‌بودن شرایطی را لازم دانسته است؛ این شرایط عبارت‌اند از اینکه مأمور دولتی باید در خصوص نحوه حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، آموزش لازم را دیده و دارای مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده نیز باشد. البته قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، شرط داشتن مسئولیت امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده را برای افراد نظامی پیش‌بینی نکرده و علاوه بر دشمنان، تخلیه نظامیان توسط بیگانگان را نیز محقق‌کننده جرم اعلام کرده است.

از آنجا که قانون‌گذار تخلیه‌شدن افرادی خاص را جرم‌انگاری کرده است، تعریف علاوه بر مانعیت از حیث موضوع و عدم شمول بر جرائم دیگران باید از جهت فاعلی و سرایت نداشتن حکم بیان شده به سایر افرادی که مدنظر قانون‌گذار نیستند نیز مانعیت داشته باشد. به همین دلیل در تعریف، عبارت «مأموران دولتی»، «آموزش‌دیده» و «مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده» آورده شده است تا بدین وسیله تمامی افراد به‌جز آن دسته که قانون‌گذار مبادرت به وضع حکمی در خصوص آنها کرده، از گستره و دامنه شمول تعریف خارج بمانند.

از آنچه بیان گردید و توضیح داده شد، این نتیجه مسلم به‌دست می‌آید که در تهیه و تدوین مقررات قانونی مربوط به جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده دقت و توجه لازم صورت نگرفته و ایرادها و ابهام‌هایی اساسی متوجه مواد موصوف است، به گونه‌ای موجب اختلاف‌نظر و تفاوت برداشت شدید و ارائه تحلیل‌های بسیار متنوع از متن قانون گردیده است؛ ارائه نکردن تعریف مشخص از جرم، تعیین نکردن نوع، میزان و کیفیت آموزش لازم، تفکیک نکردن بین طبقات مختلف اسناد، جرم ندانستن تخلیه کارمندان آموزش‌دیده بدون مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده و عدم شمول مقررات نسبت به سایر شیوه‌های احتمالی ارتکاب، از جمله آنهاست.

پیشنهادها

الف) پیشنهادهای حقوقی

۱. ارایه تعریفی جامع از جرم «بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (تخلیه تلفنی) توسط قانون‌گذار؛
۲. نوع، کیفیت و میزان آموزش مدنظر قانون‌گذار برای مأموران دولتی مورد نظر این جرم مشخص نیست که لازم است مورد توجه و اصلاح قرار گیرد؛
۳. در ماده ۵۰۶ آمده است: «... مأموران دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده هستند...» در حالی که طبقات حفاظتی و سطح طبقه‌بندی اسناد مشخص نشده است و اسناد با طبقه‌بندی به‌کلی سری، سری، خیلی محرمانه و محرمانه یکسان دیده شده است که لازم است مجازات تخلیه تلفنی مأموران آموزش دیده بر اساس سطح طبقه‌بندی اسناد و اطلاعات تخلیه شده توسط دشمن متفاوت باشد؛
۴. جرم‌دانستن تخلیه کارمندان آموزش دیده بدون مسئولیت حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده؛
۵. شمول مقررات نسبت به سایر شیوه‌های احتمالی ارتکاب تخلیه اطلاعاتی از سوی دشمن.

ب) پیشنهادهای کاربردی برای جلوگیری از موفقیت دشمن در انجام تخلیه تلفنی:

۱. کم کردن صحبت با تلفن و اعتماد نکردن به امنیت آن؛
۲. اساس جاسوسی تلفنی بر غفلت و فریب است، مواظب غفلت خود و فریبکاری دشمن باشید؛
۳. هنگام استفاده از تلفن به این موضوع بیندیشیم که نفر سومی در حال شنیدن مکالمه است؛
۴. رعایت سه اصل توسط پاسخ‌دهنده اول: شناسایی کامل تماس‌گیرنده؛ دوم: ارائه اطلاعات در حد نیاز؛ سوم: پرهیز از ارائه هرگونه اطلاعات طبقه‌بندی شده؛
۵. تا کسی را نشناختیم و اطمینان حاصل نمودیم به هیچ سوالی پاسخ ندهیم؛

۶. هیچ‌گونه مسائل و اطلاعات طبقه‌بندی شده را به صورت تلفنی بازگو ننماییم؛
۷. تا حد ممکن از پاسخ‌گویی تلفن به وسیلهٔ کودکان جلوگیری نماییم؛
۸. توجیه همکاران و خانواده که به هر تماس تلفنی پاسخ ندهند و تلفن محل کار همکاران را بدون شناسایی دقیق و قطعی فرد به هیچ‌کس ارائه ندهند؛
۹. از دورنما برای ارسال اخبار طبقه‌بندی شده استفاده نشود؛
۱۰. در صورتی که مشکوک و یا احساس تخلیه‌شدن نمودید مراتب را به مراجع ذی‌ربط اعلام نمایید؛
۱۱. در مکالمه‌های بی‌سیم از کد و رمز استفاده شود و دستورکار مخابراتی هر چند وقت یکبار عوض شود؛
۱۲. اگر فرد اصرار بر ادامهٔ گفتگو داشته باشد، ابتدا از وی شماره خواسته و پس از بررسی و شناسایی با وی تماس گرفته شود؛
۱۳. به طور معمول از پوشش ارگان‌های دولتی مثل بیت رهبری، دفتر دولت، وزارتخانه‌ها، مجلس و... برای تخلیهٔ تلفنی زیاد استفاده می‌شود. در مقابله با چنین مواردی لازم است ابتدا نسبت به احراز هویت فرد اقدام شود، اگر هویت فرد احراز نشد با دریافت شمارهٔ تلفن، نسبت به بررسی هویت فرد اقدام گردد؛
۱۴. هرگونه اطلاعات درون سازمانی که دانستن آن برای عموم جایز نیست، دارای ارزش است و نمی‌بایست فاش گردد؛
۱۵. در صورتی که تماس‌گیرنده به موارد ضعف شما اشاره کند، یا در صورت ندادن اطلاعات تهدید به از دست‌دادن شغل یا گزارش به رده‌های بالاتر نماید، اعتنا نکنید؛
۱۶. برای اطلاعاتی که نزد خودمان است ارزش و اهمیت بدهیم. چرا که کمترین اطلاعات کم‌اهمیت می‌تواند برای دشمن با اهمیت و با ارزش باشد؛
۱۷. توجیه حفاظتی افرادی که دسترسی به اطلاعات مهم و طبقه‌بندی شده دارند به تخلیهٔ تلفنی؛

۱۸. با آرامش، تفکر و مکت‌های منطقی مکالمه تلفنی را به آرامش کشانده و تعجیل

تخلیه‌کننده را خنثی نماییم؛

۱۹. همواره تلاش نمایید که مطالب مهم و دارای طبقه‌بندی حفاظتی را از طریق

تلفن بازگو نکنید.

منابع

- اشرافی، ارسلان (۱۳۸۰)، *جاسوسی به نفع اجانب در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، شیراز: تخت جمشید.
- پیمانی، ضیاءالدینی (۱۳۸۰)، *حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۵)، *سازمان مجاهدین خلق - پیدایی تا فرجام*، جلد سوم، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی*، دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- زراعت، عباس (۱۳۸۲)، *شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات (۱)*، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- ساریخانی، عادل (۱۳۷۸)، *جاسوسی و خیانت به شکور*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- سبحانی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *روزهای تاریک بغداد*، پایگاه اینترنتی کانون قلم، شماره‌های ۵۷ و ۵۸.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵)، *حقوق کیفری اختصاصی - جرائم برضد مصالح عمومی کشور*، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: زوبین / مجلد.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۱)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: گنج دانش.
- صفرآبادی، ایمان (۱۳۸۸)، *جاسوسی و ضدجاسوسی*، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵)، *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مالمیر، محمود (۱۳۸۳)، *شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح*، چاپ اول، تهران: میزان.
- مجیدی، سیدمحمود (۱۳۸۶)، *حقوق کیفری اختصاصی*، جرائم علیه امنیت، چاپ اول، تهران: میزان.
- مرتضوی، سعید (۱۳۸۵)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ اول، تهران: مجلد.
- معین، محمد (۱۳۸۳)، *فرهنگ فارسی*، تهران: سرایش.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، *حقوق کیفری اختصاصی - جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- یزدانیان، محمدرضا (۱۳۸۳)، «شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح» *مجله دشنایی*، سال هشتم، شماره ۴۷.